

## نگاهی کوتاه به حزب ایران

جواد روحانی نژاد\*

### اشاره

احزاب سیاسی در ایران همواره محل و کانونی برای ترقی و پیشرفت در راه رسیدن به یک جامعه قانونمند به شمار نمی‌روند که شاید این امر خلاف کارکرد احزاب در سایر کشورهای جهان باشد زیرا در غالب کشورهای دنیا خصوصاً کشورهایی که از یک سابقه دموکراتیک بیشتری برخوردار می‌باشند همواره احزاب عاملی بوده‌اند در جهت حرکت رو به جلوی کشور خود و این امر تنها در بعد سیاسی صادق نیست بلکه در تمامی ابعاد یک حکومت می‌تواند صادق باشد گر چه اکثراً فعالیت سیاسی پر رنگ‌تری دارند.

این که چرا احزاب سیاسی ایران فاقد چنین خصوصیت بوده، هستند و احتمالاً خواهند بود بحث گسترده‌ای را می‌طلبد که اینجا مجال آن نیست، اما برخی علل روشن آن را شاید بتوان چنین برشمرد:

- ۱- بحث تحزب در ایران یک بحث وارداتی است و تعلق کامل به جامعه ما ندارد؛
- ۲- غالب احزاب در شرایط خاص و به منظور خاص ایجاد می‌شوند و بعد از رسیدن یا حتی نرسیدن به هدف خویش پس از مدتی کارایی مستمر خود را از دست می‌دهند؛
- ۳- بیشتر این احزاب به قدرتهای بیگانه وابسته بوده و خواسته یا ناخواسته در جهت اهداف آنان گام برداشته‌اند. به همین دلیل شاهد بوده‌ایم که در تاریخ آنها هرگاه جدال قدرتهای خارجی افزایش یافته نزاعهای احزاب در کشور ما هم اوج گرفته است؛
- ۴- حکومتها در ایران غالباً غیر دموکراتیک بوده و اهمیتی برای نقش مردم و احزاب قائل نبودند. مردم تنها از طریق روحانیت یا سایر نیروهایی که به آنها معتقد بودند حق خود را مطالبه می‌کردند و حزب به معنای واقعی کلمه در این راه مؤثر نبود؛

\* کارشناس تاریخ از دانشگاه فردوسی مشهد.

۵- شاید یکی دیگر از علل ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران ترجیح منافع شخصی یا در نهایت حزبی بر منافع ملی باشد، یعنی یک حزب ممکن است باقی ماندن خود را به هر قیمتی به تحقق یک آرمان یا هدف ملی ترجیح دهد. صد البته علل و عوامل فراوان دیگری نیز در عدم توفیق احزاب در ایران مؤثر بوده و می باشد.

### احزاب در ایران

«حزب به مفهوم جمعیتی در ایران، همچون بسیاری از جوامع سابقه طولانی دارد. این تجمع‌های سیاسی گاه مانند سربداران و فداییان اسماعیلی جنبه نظامی داشته و به صورت یک حزب یا تشکل سیاسی - نظامی فعالیت می‌کرده و گاه همچون اخوان الصفا سیاست را در کنار اندیشه و اصلاح اخلاقی و فلسفی پیشه می‌ساخته و به شکل یک تشکل سیاسی - فرهنگی تبلور می‌یافته است. اما به گفته مک آیور شاید اطلاق کلمه دسته «Fation» به این گروهها مناسب‌تر باشد»<sup>۱</sup>

اما احزاب به شکل امروزی آن در ایران ازمغانی از دستاوردهای جوامع غربی است که بعد از انقلاب مشروطه بدون توجه به شرایط پیدایی و امکان کارآمدی آن وارد فرهنگ سیاسی جامعه شدند و به فعالیت پرداختند. تحركات آنان در اواخر عصر قاجار ادامه یافت تا آن که در پی ضعف و انحطاط قاجاریه، شیرازه امور کشور به هم ریخت و سرانجام در سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان توسط انگلیسی‌ها روی کار آمد و پس از تحکیم پایه‌های قدرت خویش در ۱۳۰۴ به سلطنت نشست. پس از استقرار رضاخان به تدریج بساط احزاب سیاسی برچیده شد و کشور با بازگشت به سلطنت مطلقه با رکورد فعالیت‌های حزبی و سیاسی روبه رو شد.

این وضع تا سقوط رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ ادامه یافت. در این تاریخ با انتقال قدرت از رضا شاه به محمدرضا شاه توسط متفقین و باز شدن فضای سیاسی کشور بار دیگر فضایی مناسب جهت فعالیت احزاب و گروه‌های مختلف ایجاد گردید.<sup>۲</sup>

۱ - رزمجو، علی اکبر: *حزب پان ایرانیست*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۲.

۲ - همان، ص ۳۶؛ مدیرشانه‌چی، محسن: *احزاب سیاسی ایران با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه سوسیالیست‌ها*، مؤسسه رسا، بی‌جا، ۱۳۷۵، ص ۴۵.

اوج فعالیت احزاب این دوره مقطع دو ساله حکومت دکتر مصدق در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ است؛ یعنی زمانی که اقتدار نوپای محمدرضا تضعیف شده بود. اما عمر این دوره نیز با واکنش پهلوی دوم علیه مشروطه طی کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ به پایان رسید و بار دیگر دوره‌ای از اختناق سیاسی و اجتماعی کشور را در بر گرفت.

طی سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ هـ.ش با روی کار آمدن دموکراتها در آمریکا و صدارت علی امینی در ایران بار دیگر شاهد آزادیهایی در عرصه سیاسی می‌باشیم، اما این آزادیها نیز در پی قیام مردمی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ هـ.ش و سرکوب آن توسط رژیم خاتمه می‌یابد و بار دیگر دیکتاتوری محمدرضا شاهی بر ایران سایه می‌افکند و از این زمان علاوه بر گروههای چریکی و مسلح تنها احزاب وابسته به دربار به شکل صوری و نمایشی به فعالیت می‌پردازند و سرانجام با وقایع سال ۱۳۵۶ و در نهایت پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ سلسله پهلوی ساقط می‌گردد و در آخرین روزهای عمر نظام سلطنتی در ایران نیز دوره‌ای از حرکات احزاب سیاسی به چشم می‌خورد. پوشیده نیست که تلاش رژیم سلطنتی برای بقای خود در ایران حتی با اصرار بر ایجاد سیستم تک حزبی با ایجاد حزب رستاخیز ممکن نشد.

این دوره‌ها مهمترین دوره‌های فعالیت احزاب در ایران بوده است، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز طی سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ شاهد ظهور و مانور حزبهایی گوناگون سیاسی در ایران هستیم.

### کانون مهندسين، بنای حزب ایران

هرگاه سخن از تشکیل احزاب یا گروهها می‌شود اولین سؤالی که به ذهن می‌رسد چگونگی بنیان‌گذاری اولیه آن است. در مورد حزب ایران نیز این سؤال مطرح است و اولین پاسخی که به آن داده می‌شود در مورد کانون مهندسين است. فرهنگ نخعی «ریمن» که خود را از اعضای شورای مرکزی حزب ایران می‌خواند و پس از خروج حسین مکی جایگزین وی شده است در این باره می‌گوید:

«در سال ۱۳۲۱ مهندسينی که در وزارت پيشه و هنر مشغول به کار بودند برای تأمین حقوق صنفی خود اعتصاب کردند و حرف اصلی آنها این بود که حقوق و مزایای یک مهندس با یک

کارگر عادی باید متفاوت باشد . . . دولت تحت فشار واقع شد و مقرر شد که امتیازاتی را برای آنان قائل شود این پیروزی سبب شد که مهندسين با توجه به افكاري كه در اروپا در اثر تحصيلشان به دست آورده بودند مقدمه تشكيل يك حزب را فراهم نمايند.<sup>۱</sup>

اما مهندس فریور كه از بنیان گذاران كانون مهندسين و نیز حزب ایران می باشد وجود هرگونه ارتباط خاصی را بین كانون و حزب رد می کند. او كانون مهندسين را نتیجه اعتصاب مهندسين در اردیبهشت ۱۳۲۲ می داند در حالی كه مدارك موجود اثبات می كند كه كانون مهندسين در اواخر سال ۱۳۲۱ تشكيل شده است.<sup>۲</sup>

طی سالهای بعد از پایان اعتصاب محل كانون مهندسين در خیابان سعدی، مركز تجمعات گروههای مختلفی بود كه از آن جمله می توان به حزب زنان ایران، جمعیت زن امروز و جمعیت مهندسين فنی اشاره كرد این گروهها با استفاده از امکانات كانون، جلسات خود را تشكيل می دادند همان گونه كه نخستین جلسات حزب ایران نیز در خیابان سعدی كوچه بنایعی تشكيل شد.<sup>۳</sup>

### هیأت مؤسس

در حالی كه فرهنگ نخعی تعداد اعضای هیأت مؤسس را ۴۰ نفر می داند، حسین مکی با اشاره به نقش محوری مهندس فریور از سی نفر دیگر به عنوان اعضای مؤسس حزب ایران نام می برد<sup>۴</sup> كه از جمله این ۳۰ نفر می توان به:

دكتر شمس الدین جزایری، مهندس زیرك زاده، مهندس ناصر معتمد، مهندس حسینی، مرتضی مصور رحمانی، دكتر عبدالله معظمی، دكتر محسن نصر، محسن خواجه نوری، مهندس گزیده پور و خود حسین مکی اشاره كرد.

نخعی، مهندس زیرك زاده، حق شناس و فریور را به عنوان تئوریسین های حزب معرفی می كند<sup>۵</sup> و بیان می دارد هرگاه یکی از این ۴۰ نفر از شورای مرکزی خارج می شد شخص دیگری

۱ - گفتگوی مستقیم با فرهنگ نخعی «ریمن» ساکن مشهد - ۱۳۷۹/۹/۱۸.

۲ - کوهستانی نژاد، مسعود: حزب ایران، چاپ فاروس، تهران، ۱۳۷۹ ص ۳.

۳ - همان، ص ۶

۴ - همان، ص ۸

۵ - مصاحبه مستقیم با فرهنگ نخعی «ریمن»، ساکن مشهد ۱۳۷۹/۹/۱۸.

جایگزین او می‌گردید. «نخعی» اولین عضو عادی حزب بوده که بخاطر توانایی‌هایی که در نویسندگی داشته بجای حسین مکی یا مهندس بازرگان که هر دو از حزب خارج شده بودند به عضویت شورا درآمد است.<sup>۱</sup>

### آغاز فعالیت / مخالفت با صدر

متأسفانه به دلیل عدم شفافیت منابع، از نخستین سالهای فعالیت حزب ایران جز دو اعلامیه اطلاع دیگری در دسترس نیست، محور اصلی فعالیت حزب ایران در سال ۱۳۲۴ مخالفت با سیاستهای اعمال شده از سوی دولت حاکم؛ یعنی کابینه صدر بود. به نظر آنها دولت صدر دولت آزادی خواهی نبود و آنچه کمتر از همه چیز توجه دولت فعلی را جلب می‌کند همان مراعات اصول آزادی است. تلاشهای آنها همراه سایر احزاب با سقوط کابینه صدر و تشکیل دولت حکیمی در پاییز ۱۳۲۴ تا اندازه‌ای به موفقیت نزدیک شد.

پس از مدت کوتاهی از آغاز فعالیت رسمی حزب تحولاتی اساسی در حزب ایران رخ داد که یکی از آنها ورود اللهیار صالح به حزب بود و دیگری ادغام یا اتحادی که با احزاب دیگر به وجود آمد.

### اللهیار صالح

اللهیار که مسلماً پیش از ورود با ایده‌ها و افکار حزب ایران و افراد برجسته آن آشنایی پیدا کرده بود در ۱۳۲۴ به عضویت حزب درآمد. او سپس با اتکا به شخصیت و خودشناسی و سوابق سیاسی، بسیار زود در حزب جا افتاد و به عضویت کمیته مرکزی و بعدها به دبیرکلی انتخاب گردید چنان که وابستگی و الفت دائمی با حزب پیدا کرد.<sup>۲</sup> او در آینده یکی از افرادی بود که در ائتلاف حزب ایران با توده‌های‌ها نقش اساسی و عمده‌ای را بازی کرد.

۱ - در سایر منابعی که مورد مطالعه قرار گرفت به چنین امری اشاره نشده است.

۲ - سعیدی، خسرو: *اللهیار صالح*، نشر طلايه، بی‌جا، ۱۳۷۶، ص ۱۴۲.

### ائتلاف با حزب توده

از وقایع مهم دوران فعالیت حزب ایران که سروصدای فراوانی ایجاد کرد و اثرات گوناگونی هم در جامعه به دنبال داشت ماجرای ائتلاف حزب ایران با حزب توده ایران است. این ائتلاف در اوایل تیر ماه ۱۳۲۵ با رأی اکثریت اعضای کمیته مرکزی به تصویب رسید و در داخل و خارج ماجراهایی آفرید. پیشنهاد ائتلاف توسط مهندس غلامعلی فریور به کمیته مرکزی حزب برده شد و در آنجا اللهیار صالح و دکتر کریم سنجابی هم مدافع انجام ائتلاف شدند در این کمیته اعضای دیگری شدیداً مخالف امر ائتلاف بودند که در رأس آنها مهندس احمد زیرک زاده قرار داشت ولی سرانجام در اثر مباحثات فراوان در رأی‌گیری اکثریت اعضا رأی به قبول ائتلاف دادند و دو حزب ائتلاف خود را «جبهه احزاب آزادیخواه» نامیدند.

در چنین اوضاعی تعدادی از سیاستمداران از جمله اللهیار صالح بر محور تصورات خود برآمدند تا خواسته‌های موضعی و محلی آذربایجان و حزب توده را پیرامون اصلاحات در سطح کشور تعمیم دهند و آن را از حالت منطقه‌ای خارج سازند و با این نیت پیشنهاد حزب توده را پذیرفتند.<sup>۱</sup> فرهنگ نحعی یکی دیگر از علل این ائتلاف را قدرت یابی فراوان حزب توده در ایران می‌داند و چنین می‌گوید: «که چون حزب ایران به تنهایی توان رقابت با آنها را در انتخابات نداشت بنابراین با این ائتلاف سعی در کسب قدرت بیشتری داشت».<sup>۲</sup>

بعد از صدور اعلامیه مشترک دو حزب به فاصله تقریباً یک ماه کابینه ائتلافی قوام السلطنه در تاریخ ۱۳۲۵/۵/۱۰ تشکیل شد و اللهیار صالح به عنوان وزیر دادگستری از حزب ایران، دکتر مرتضی یزدی وزیر بهداری، دکتر فریدون کشاورز وزیر فرهنگ، ایرج اسکندری وزیر بازرگانی و پیشه و هنر هر سه نفر از حزب توده ایران تشکیل شد.

اما این کابینه ناهمگون بعد از هفتاد و پنج روز سقوط کرد. ائتلاف بی‌پایه دو حزب نیز بالاخص پس از نمایان تر شدن چهره واقعی فرقه دمکرات آذربایجان و حزب توده نمی‌توانست دوام زیادی داشته باشد لذا بعد از فرار پیشه‌وری هر یک از دو حزب راه خود را در پیش گرفتند.

۱ - سعیدی، خسرو: همان، ص ۱۴۶.

۲ - مصاحبه مستقیم با فرهنگ نحعی «ریمن»، ساکن مشهد ۱۳۷۹/۹/۱۹.

اثرات مخرب این ائتلاف در داخل حزب شکننده و یأس‌آور بود. این مسأله علاوه بر ایجاد اختلاف بین اعضا و به وجود آمدن احساس ندامت از اشتباهی که در آغاز عمر حزب صورت گرفته بود مدتها وقت حزب و مسئولین آن را برای جوابگویی و سعی در توجیه اقدام انجام شده گذراند، اما به هر صورت صفحه مهمی از تاریخ حزب با شرح این واقعه رقم خورد و بعد از جنبشهای فراوان سرانجام اللهیار خواست تا او را به عنوان مقصر محاکمه کرده و از حزب اخراج نمایند تا وضع به حال عادی بازگردد.

اما به گفته نخعی، کمیته مرکزی حزب ایران استیضاح شد و چون توان پاسخگویی نداشت استعفا کرد و یک تجزیه اساسی در حزب ایجاد شد و عده‌ای که از حزب ایران شده بودند حزب وحدت ایران را شکل دادند ولی بعدها وقتی جبهه ملی شکل گرفت حزب ایران وارد آن شد، اما هرگز آن قدرت اولیه خود را به دست نیاورد.<sup>۱</sup>

اللهیار صالح در اواسط سال ۱۳۳۳ چنین بیان کرده است:

«نهیضت مقاومت ملی به اشتباه خود در تلاش برای همکاری با حزب توده پی برده است.»<sup>۲</sup>

### حزب ایران و نهیضت ملی شدن صنعت نفت

این حزب از ابتدای شروع فعالیت خود همواره رابطه تنگاتنگی با دکتر مصدق داشت، به این لحاظ همان گونه که انتظار می‌رفت در دوره نخست وزیری وی نیز مشارکت بسیار فعالی در دولت داشت و به همین خاطر هدف انتقادات شدیدی از سوی مخالفین دکتر مصدق قرار گرفت. دادن لقب حزب کارگشایی به حزب ایران از سوی مخالفان بیانگر جایگاه آن حزب در دولت مصدق از نگاه آنها بود.

در اوج فعالیت‌های حزب ایران در پاییز ۱۳۳۱ - هنگامی که مقدمات لازم برای برگزاری پنجمین کنگره حزب در حال انجام بود - اختلافات درون حزبی بار دیگر افزایش یافت که

۱ - مصاحبه مستقیم با فرهنگ نخعی «ریمن»، ساکن مشهد ۱۳۷۹/۹/۱۹.

۲ - اسناد لانه جاسوسی آمریکا در ایران، ج ۲، بخش اول، ص ۵۱

موضوع اصلی این اختلاف که در نهایت به یک انشعاب در حزب منجر شد نوع موضع گیری در مقابل هیأت حاکمه و دولت و نیز روابط درون حزبی بود.

با بروز انشعاب در حزب ایران این حزب بخش چشمگیری از توان خود را از دست داد و در ادامه تنها فعالیت مهم آن در حمایت از دولت مصدق و پاسخگویی به انتقادات گروههای مخالف خلاصه شد.<sup>۱</sup> فقدان برنامه‌ریزی مشخص برای تعمیق اهداف و روشهای فعالیت مناسب با شرایط سیاسی جامعه در اواخر سال ۱۳۳۱ و اوایل ۱۳۳۲ نتیجه‌ای بود که نه تنها حزب ایران بلکه مجموع گروههای دیگر نیز دچار آن شده بودند.

در چنین شرایطی بود که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شکل گرفت و علی‌رغم تلاش زیاد اعضا و سران حزب در فاصله روزهای ۲۸-۲۵ مرداد، فقدان نیروی کافی و قدرت لازم در حزب ایران نظیر دیگر گروههای طرفدار دولت کار را تا آنجا پیش برد که با وجود اطلاع اجمالی گروههای حامی دولت از نقشه‌ها و برنامه‌ریزیهای انجام شده از سوی عوامل داخلی و خارجی کودتا گروهی اندک از اوباش تهرانی همراه با بخش اندکی از نیروهای نظامی توانستند مصدق را سرنگون سازند.

در این قسمت، از بحث پیرامون علل و عوامل موفقیت کودتا خودداری کرده و ادامه ماجرا را در حزب ایران دنبال می‌کنیم. این واقعه برای حزب ایران و نیز خود دولت مصدق که داعیه پشتیبانی مردمی را داشت یک شکست تلقی می‌شد. به نظر می‌رسد سران حزب ایران در ماههای پایانی حکومت دکتر مصدق به قدری در گرداب مسائل روزمره غرق شده بودند که قادر به برنامه‌ریزی مناسب برای مقابله با رویدادهای آینده نبودند و از سویی به علت از دست دادن بخش عمده‌ای از نیروهای خود توانایی مقابله با خطرات و توطئه‌های جاری بر ضد دولت مصدق را نیز نداشتند.

به نظر می‌رسد که اگر حزب ایران یا هر حزب دیگری هم توانایی برنامه‌ریزی و پیش‌بینی رویدادهای آینده را می‌داشت و بخش عمده نیروهای خود را هم از دست نمی‌داد باز هم کودتا

۱ - کوهستانی نژاد، مسمود: همان، ص ۲۲.



توفیق می‌یافت، زیرا بازیگران اصلی این صحنه فرد و افراد دیگری بودند نه مردم و احزاب سیاسی و گروه‌های مختلف دیگر.

بعد از سقوط مصدق جمعی از رهبران و فعالان حزب ایران، فراری، دستگیر و زندانی شدند و پس از این، حزب ایران در قالب نهضت مقاومت ملی ایران ادامه یافت و در جریان تشکیل جبهه ملی دوم و مبارزات مردم در سالهای ۱۳۴۲-۱۳۳۹ فعالانه شرکت کرد.

### ایدئولوژی، شعار

حزب ایران در زمینه ایدئولوژی از تفکر خاصی پیروی نمی‌کرد و ضمن آن که شعارهای ناسیونالیستی می‌داد مروج نوعی از سوسیالیسم نیز بود و در عین حال به تضادهای طبقاتی و نبرد طبقاتی معتقد نبود.<sup>۱</sup> شعار حزب ایران معرف کامل طرز تفکر آنهاست: «برای ایران، با فکر ایرانی، بدست ایرانی»، این حزب یک حزب ناسیونالیست ملی بود که مدرنیسم و سوسیالیسم را هم برای خاطر ناسیونالیسم به خود اضافه می‌نمود.

این حزب معتقد بود که تضاد اصلی اجتماعی در ایران میان «مردم تحت سلطه» و «حاکمان سلطه‌گر» است و نه میان طبقات بالا و پایین جامعه. حزب ایران علی‌رغم عدم اعتقاد به نبرد طبقاتی و با وجود آن که اکثر رهبران حزب از طبقات بالایی جامعه محسوب می‌شدند علیه خانواده‌های پولدار قدیمی و جدید جنگ تبلیغاتی به راه می‌انداختند.

ارگان حزب ایران در دهه ۱۳۲۰ به ترتیب روزنامه‌های شفق، جبهه و اخبار ایران بود. همچنین نشریات نبرد امروز، نبرد امروز دانشگاه و باستان نیز ناشر افکار و اهداف حزب ایران به شمار می‌رفتند.<sup>۲</sup>

آبراهامیان نیز تاحدودی همین عقیده را دارد که حزب ایران مبنای ایدئولوژیکی خاص به معنای واقعی کلمه نداشت او می‌نویسد:

۱ - سازمان اسناد ملی ایران: *احزاب سیاسی ایران*، بی‌تا، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۸۲.

۲ - سازمان اسناد ملی ایران، همان، ص ۱۸۳.

«در حزب ایران ترجیح می‌دادند مشاجرات ایدئولوژیکی را کنار گذراند و با تأکید بر مسائل غیرنظری همچون اعتراض به ادامه بازداشت خانگی مصدق، نبود آزادی مطبوعات و طرح فروش کارخانه‌های دولتی به بازرگانان ثروتمند به رژیم حمله کنند.»<sup>۱</sup>

اما شاید یکی از ایدئولوژیهای اصلی حزب ایران مسأله جدایی دین از سیاست باشد.<sup>۲</sup> نخعی هنوز هم به شدت به این موضوع معتقد است و تعریف خاصی از دین و سیاست ارائه می‌کند: او دین را سیاست الهی می‌دانشند و سایر سیاستهای جوامع بشری را با دین مطابق نمی‌داند، از این رو معتقد به جدایی این دو از هم است.

### سرانجام

حزب ایران در واقع پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فعالیت چشمگیر و مؤثری از خود بروز نداد، زیرا توان آن را نداشت و تنها به فعالیتهای مخفیانه اقدام می‌نمود هر چند طی جریان انقلاب اسلامی نیز فعالیتهایی داشت، اما به گفته منابع در واقع اوج قدرت آنها تنها تا سال ۱۳۳۲ بود و هیچ گاه آن جایگاه اولیه خود را باز نیافتند. افرادی از این حزب در خارج از کشور نیز فعالیت می‌کردند.

«بعد از انقلاب اسلامی ایران نیز چند تن از اعضای حزب ایران در کابینه مهندس بازرگان که خود نیز زمانی عضو این حزب بود راه یافتند از جمله سنجابی که وزیر خارجه بود، فریور که سفیر ایران در سوئیس شد، امیر علائی سفیر ایران در پاریس گشت و چند تن دیگر که مقامهایی داشتند. جالب است بدانیم هنوز هم عده‌ای به نام این حزب فعالیت خود را پی‌گیری می‌کنند که البته نقش و تأثیر آنها به حدی نازل است که حتی کمتر اسمی از آنها شنیده می‌شود.»<sup>۳</sup>

۱ - آبراهامیان، یرواند: *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتحی ولی لایلی، نشر

نی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۵۶۷

۲ - انوشیروانی، حسین: *کودتای نافرجام*، انتشارات محیط، بی‌جا، ۱۳۷۸، ص ۴۶.

۳ - مصاحبه مستقیم با فرهنگ نخعی، ریمن ساکن مشهد، ۱۳۷۹/۹/۱۹.

### ضمائم

#### سرود حزب ایران «بند اول»

دلیران از جان خود شسته دست	به پیش به پیش ای جوانان میهن پرست
ندای وطن را مگسز نشنوی	به پیش به پیش ای هنرمند بازو قوی
که باید برون برد از این ورطه رخت	به پیش ای زنان سیه رخت و بخت
بکف جای داس، این زمان تیغ گیر	به پیش ای ستمدیده دهقان پیر
به صف رنجبر، پیشه‌ور، پیش رو <sup>۱</sup>	بود، بود روز پاداش و قست درو

#### شرایط عضویت در حزب ایران

- ۱- ایرانی بودن؛
- ۲- مسلمان بودن؛
- ۳- عدم شهرت به فساد اخلاقی و خیانت به کشور؛
- ۴- عدم عضویت در هیچ یک از احزاب یا جمعیت‌های سیاسی دیگر؛
- ۵- سن او کمتر از ۱۸ سال نباشد؛<sup>۲</sup>

#### مرامنامه حزب ایران

- ۱- از لحاظ سیاسی: حفظ استقلال کامل کشور و پشتیبانی از اصول دموکراسی؛
- ۲- از لحاظ اقتصادی: استقرار عدالت اجتماعی و کوشش در بهبود وضع مالی ملت از راه توجه به کشاورزی؛ صنعت و بهره‌برداری از جمیع منابع ثروت مملکت؛
- ۳- از لحاظ اجتماعی: تهذیب اخلاق و تممیم فرهنگ و تأمین بهداشت عمومی؛

۱- کوهستانی نژاد، مسعود: همان، ص ۸۵

۲- کوهستانی نژاد، مسعود: همان، ص ۷۲

## کتابنامه

- ۱- آبراهامیان، یرواند: *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه‌ی احمد گل‌محمدی، محمد ابراهیم ولسی لایسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲- انوشیروانی، حسین: *کودتای نافرجام*، انتشارات محیط، بی‌جا، ۱۳۷۸.
- ۳- رزمجو، علی‌اکبر: *حزب پان‌ایرانیست*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.
- ۴- سازمان اسناد ملی ایران: *احزاب سیاسی ایران*، تهران، ۱۳۷۶.
- ۵- سعیدی، خسرو: *اللهیار صالح*، نشر طلایه، بی‌جا، ۱۳۷۶.
- ۶- کوهستانی‌نژاد، مسعود: *حزب ایران*، چاپ فاروس، تهران، ۱۳۷۹.
- ۷- مدیر شانه‌چن، محسن: *احزاب سیاسی ایران با مطالعه موردی نیروی سوم و جامعه سوسیالیست‌ها*، بی‌جا، ۱۳۷۵.
- ۸- مصاحبه مستقیم با فرهنگ نخعی عضو سابق حزب ایران ساکن مشهد.
- ۹- *اسناد لانه جاسوسی آمریکا در ایران*: جلد دوم، بخش اول